



امام موسی کاظم علیه‌السلام

ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه‌السلام) (۱۲۸-۱۸۳ق)، ملقب به کاظم، عبد صالح و بلب الحوائج، امام هفتم از [انمه اثنی عشر \(علیه‌السلام\)](#) و نهمین [معصوم](#) از [چهارده معصوم \(علیه‌السلام\)](#) است.

آن حضرت بعد از [شهادت امام صادق \(علیه‌السلام\)](#) به [امامت](#) رسید و ۳۵ سال [امامت شیعیان](#) را بر عهده داشت. دوران امامت ایشان مصادف با چند تن از [خلفای عباسی](#) بود که توسط خلفا از [مدینه](#) به [عراق](#) آورده شد و چندین سال در زندان‌های آنها زندانی بود. دوران حیات آن حضرت همزمان با ظهور فرقه‌هایی چون [اسماعیلیه](#)، [فطحیه](#) و [ناووسیه](#) و معارضة آنان با امام کاظم (علیه‌السلام) در مسئله امامت بود.

برای آن حضرت فرزندان بسیاری ذکر کرده‌اند که معروفترین آنها [امام علی بن موسی الرضا \(علیه‌السلام\)](#) و [حضرت معصومه \(سلام‌الله‌علیها\)](#) است. از امام کاظم (علیه‌السلام) معارف اسلام در [توحید](#) و [نبوت](#) و امامت و [معاد](#)، و احکام و آداب تربیتی - اخلاقی در قالب هزاران حدیث کوتاه و بلند، و شاگردان عالم عامل، و سیره عملی ارزشمند در میدان‌های مختلف، و نسلی پاک و با برکت به یادگار مانده است.

آن حضرت بعد از چندین بار زندان شدنی، آخر الامر به دستور [هارون عباسی](#) در زندان مسموم و به [شهادت](#) رسید و در مقابر قریش [بغداد](#) دفن گردید که امروزه به [حرم کاظمین](#) در [شهر کاظمین](#) مشهور است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - همسران
- ۳ - فرزندان
 - ۳.۱ - پسرها
 - ۳.۲ - دخترها
- ۴ - برادران
 - ۴.۱ - اسماعیل
 - ۴.۲ - عبدالله افطح
 - ۴.۳ - اسحاق و محمد
- ۵ - شاگردان و اصحاب
 - ۵.۱ - عبدالله بن حبیب بجلی
 - ۵.۲ - علی بن ابراهیم
 - ۵.۳ - ابن بزیع
 - ۵.۴ - مؤمن طاق
 - ۵.۵ - اصحاب دیگر
- ۶ - زمامداران معاصر
- ۷ - فضائل اخلاقی و علمی
 - ۷.۱ - خصوصیت بارز
 - ۷.۲ - متش
 - ۷.۳ - دانش
 - ۷.۴ - عبادت
 - ۷.۵ - نیکی به مردم
 - ۷.۶ - عفو و گذشت
- ۸ - امامت
 - ۸.۱ - دوران امامت
 - ۸.۲ - فعالیت‌ها
 - ۸.۳ - محور فعالیت‌ها
 - ۸.۴ - ادعای امامت برادر
 - ۸.۵ - درایت امام
 - ۸.۶ - کار اصلی امام
- ۹ - یادگارهای علمی و فکری
- ۱۰ - موضوعات مهم دوران امام
- ۱۱ - علت قیام نکردن
 - ۱۲ - حبس امام در زمان مهدی
 - ۱۳ - پیشنهاد اعطای فک از طرف هارون
 - ۱۴ - جواب امام به فخر فروشی هارون
 - ۱۵ - علت حبس و شهادت
 - ۱۶ - تاریخ شهادت
 - ۱۷ - رویدادهای مهم عصر امام
 - ۱۸ - عناوین مرتبط
 - ۱۹ - یانویس
 - ۲۰ - منبع

معرفی اجمالی

نام: موسی بن جعفر.

کنیه: ابوالبراهیم، ابوالحسن، ابوالحسن اول، ابوالحسن ماضی، ابوعلی و ابواسماعیل.

القاب: کاظم (به جهت حلم و فرو خوردن خشم و صبر بر مشقت و آلام زمانه)، صابری، صالح، امین و عبد صالح (به جهت کثرت زهد و عبادت).
لقب مفید، محمد بن محمد، مصنف الشیخ المفید، ج ۱۱، ص ۲۱۵.

نکته: آن حضرت در میان شیعیان به «باب الحوائج» معروف است.

منصب: معصوم نهم و امام هفتم شیعیان.

تاریخ ولادت: هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری. برخی نیز سال ۱۲۹ را ذکر کردند.

محل تولد: ابواء (منطقه‌ای در میان مکه و مدینه) در سرزمین حجاز (عربستان سعودی کنونی).

میلادش برای امام صادق (علیه‌السلام) چنان شادی بخش بود که آن حضرت به همین مناسبت سه روز جشن گرفت و مردم مدینه را اطعام نمود.

نسب پدری: امام جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب (علیه‌السلام).

نام مادر: حُمَیْدَه مصفاة نام‌های دیگری نیز مانند حمیده بربریه و حمیده انلسیه نیز برای او نقل شده است. حمیده کنیزی از اهل بربر (مغرب) یا از اهل انلس (اسپانیا) بوده است و نام پدر این بانو را صاعد بربری گفته‌اند. این بانو از زنان بزرگ زمان خویش بود و چندان فقیه و عالم به احکام و مسائل بود که امام صادق (علیه‌السلام) زنان را در یادگیری مسائل و احکام دینی به ایشان ارجاع می‌داد. و درباره‌اش فرمود: «حمیده، تصفیه شده است از هر دس و چرکی، مانند شمش طلا. پیوسته فرشتگان او را حفاظت و پاسبانی نموده تا رسیده است به من، به خاطر آن کرامتی که از خدای متعال برای من و حجت پس از من است.» برادران دیگر امام از این بانو اسحاق و محمد دیباج بوده‌اند.

خصوصیت ظاهری: قد متوسط و رنگ سبزه سیر و محاسن انبوه داشت. نقش نگینش «حسبی الله» و به روایتی «الملک لله وحده» بود.

منت امامت: از زمان شهادت پدرش، امام جعفر صادق (علیه‌السلام)، در شوال ۱۴۸ هجری تا رجب سال ۱۸۳ هجری، به مدت ۳۵ سال. آن حضرت در سن بیست سالگی به امامت رسید.

تاریخ و سبب شهادت: ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری، در سن ۵۵ سالگی، به وسیله زهری که در زندان سندی بن شاهک به دستور هارون الرشید به آن حضرت خورانیده شد.

محل دفن: مکانی به نام مقابر قریش در بغداد (در سرزمین عراق) که هم اکنون به «کاظمین» معروف است.

۱- فاطمه بنت علی.

۲- نجمه.

نجمه، مادر امام رضا (علیه‌السلام) و از زنان مومنه، پارسا، نجیب و پاکیزه بود. حمیده، همسر امام صادق (علیه‌السلام)، او را که کنیزی از اهالی مغرب بود، خرید و به منزل برد. نجمه در خانه امام صادق (علیه‌السلام)، حمیده خاتون را بسیار احترام می‌کرد و به خاطر جلال و عظمت او، هیچ‌گاه نزدش نمی‌نشست! روزی حمیده در عالم رویا، رسول اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را دید که به او فرمودند: ای حمیده! نجمه را به ازدواج فرزند خود موسی در آور زیرا از او فرزندی به دنیا خواهد آمد که بهترین فرد روی زمین باشد. پس از این پیام، حمیده به فرزندش امام کاظم (علیه‌السلام) فرمود: پسر من! نجمه بانویی است که من هرگز بهتر از او را ندیده‌ام، زیرا در زیرکی و محاسن اخلاق، مانندی ندارد. من او را به تو می‌بخشم، تو نیز در حق او نیکی کن. ثمره ازدواج امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) و نجمه، نوری شد که در شکم مادر به تسبیح و تهلیل مشغول بود و مادر از آن، احساس سنگینی نمی‌کرد و چون به دنیا آمد، دست‌ها را بر زمین گذاشت، سر را به سوی آسمان بلند کرد و لب‌های مبارکش را به حرکت درآورد: گویا با خدایش راز و نیاز می‌کرد. پس از تولد امام هشتم (علیه‌السلام)، این بانو، ارزشی فراتر یافت.

فرزندان

بنا به گفته **شیخ مفید** در **الارشاد** امام موسی کاظم (علیه‌السلام) سی و هفت فرزند پسر و دختر داشت که هجده تن از آنها پسر بودند و علی بن موسی الرضا (علیهما‌السلام) امام هشتم افضل ایشان بود.

از جمله فرزندان مشهور آن حضرت، **احمد بن موسی** و **محمد بن موسی** و **ابراهیم بن موسی** بودند.

یکی از دختران آن حضرت، فاطمه معروف به معصومه (سلام‌الله‌علیها) است که قبرش در **قبر مزار شیعیان جهان** است.

عدد اولاد آن حضرت را کمتر و بیشتر نیز گفته‌اند.

← پسر ها

۱- محمد بن موسی (علیه‌السلام)؛ ۲- **حمزه بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۳- **عبدالله بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۴- **اسحاق بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۵- **عبدالله بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۶- **زید بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۷- **حسین بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۸- **فضل بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۹- **سلیمان بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۰- امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام)؛ ۱۱- ابراهیم بن موسی (علیه‌السلام)؛ ۱۲- **عباس بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۳- **قاسم بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۴- **اسماعیل بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۵- **جعفر بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۶- **هارون بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۷- **حسن بن موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۸- احمد بن موسی (علیه‌السلام).

← دخترها

۱- خدیجه بنت موسی (علیه‌السلام)؛ ۲- **علیه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۳- **آمنه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۴- **حسنه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۵- **بریهه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۶- **عائشه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۷- **ام سلمه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۸- **میمونه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۹- **ام کلثوم بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۰- **فاطمه کبری بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۱- **فاطمه صغری بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۲- **رقیه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۳- **حکیمه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۴- **ام ابیها بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۵- **رقیه صغری بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۶- **کلثوم بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۷- **ام جعفر بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۸- **لیبابه بنت موسی** (علیه‌السلام)؛ ۱۹- **زینب بنت موسی** (علیه‌السلام). یکی از دختران آن حضرت به نام فاطمه، معروف به **حضرت معصومه (علیها‌السلام)** که برای دیدار برادرش **امام رضا (علیه‌السلام)** عازم **ایران** شده بود، در **شهر قم** بیمار شد و پس از چند روز بیماری، وفات یافت و در این شهر مدفون گردید. هم‌اکنون مقبره ایشان زیارت‌گاه شیعیان سراسر جهان و دانشگاه عالمان و مجتهدان شیعی است.

برادران

امام موسی کاظم (علیه‌السلام) چندین برادر داشت.

← اسماعیل

در زمان حیات امام صادق (علیه‌السلام) کسانی از اصحاب آن حضرت معتقد بودند پس از ایشان **اسماعیل** امام خواهد شد. اسماعیل در زمان حیات پدر از دنیا رفت ولی کسانی مرگ او را باور نکردند و او را همچنان امام دانستند. پس از وفات حضرت صادق (علیه‌السلام) عده‌ای از اینان چون از حیات اسماعیل مأیوس شدند، پسر او محمد بن اسماعیل را امام دانستند و اسماعیلیه امروز بر این عقیده هستند و پس از او پسر او را امام می‌دانند و سپس پسرش را و ... به تفصیلی که در کتب اسماعیلیه منکور است.

← عبدالله افطح

پس از وفات حضرت صادق (علیه‌السلام) بزرگترین فرزند ایشان عبدالله نام داشت که بعضی او را **عبدالله افطح** می‌دانند. ابن عبدالله مقام و منزلت پسران دیگر حضرت صادق (علیه‌السلام) را نداشت و به قول شیخ مفید در الارشاد متهم بود که در اعتقادات با پدرش مخالف است و چون بزرگترین برادرانش از جهت سن و سال بود، ادعای امامت کرد و برخی نیز از او پیروی کردند. اما چون ضعف دعوی و دانش او را دیدند روی او از برتافتند و فقط عده قلیلی از او پیروی کردند که به فطحیه موسوم هستند.

← اسحاق و محمد

اسحاق برادر دیگر امام موسی کاظم (علیه‌السلام) به **ورع** و صلاح و اجتهاد معروف بود و امامت برادرش موسی کاظم (علیه‌السلام) را قبول داشت و از پدرش روایت می‌کرد که او تصریح بر امامت آن حضرت کرده است.
برادر دیگر آن حضرت به نام **محمد بن جعفر** مردی سخی و شجاع و از **زبیده‌جار** و **دیه** بود و در زمان **مامون** در **خراسان** وفات یافت.

شاگردان و اصحاب

امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) بعد از رحلت پدر عالیقدرش ادارکننده فکری و علمی دانشگاه وسیع و بزرگی بود که از پدر به ارث برده بود. مکتبی که همواره در حل توسعه و گسترش، و در برگزیده هزاران دانشجو و استاد و طالب علم بود.

با اینکه صدها نفر از محضر پر فیض آن حضرت تلمذ و کسب **علم** و دانش نموده‌اند و اخبار و احادیث و دریافت‌های خود را نقل کرده‌اند ولی در میان اصحاب حدیث، و راویان اخبار، هیچ‌کس نفر به صدق و امانت معروف گردیده‌اند که در صدق و راستگویی و اطمینان‌گفتاری جای آنان، گفتگو نیست و منقولات آنان مهر صحت و اعتبار را خورده است و به تعبیر اهل فن **اصحاب اجماع** هستند و همگان بر درستی روایت آنان اعتراض نموده‌اند که شش تن از آنان از یاران و شاگردان **امام باقر (علیه‌السلام)** و شش نفر از یاران و شاگردان امام صادق (علیه‌السلام) و شش تن دیگر از یاران و خواص شاگردان امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) بوده‌اند که عبارتند از: ۱- **یونس بن عبدالرحمان**، ۲- **صفوان بن یحیی** فروشنده شاپوری، ۳- **محمد بن ابی‌عصیر**، ۴- **عبدالله بن مغیره**، ۵- **حسین بن محبوب سراد**، ۶- **احمد بن ابی‌نصر بزطی**.

علاوه بر اینها شاگردان بسیاری تربیت نموده‌اند. در شرح‌حال یونس بن عبدالرحمان نوشته‌اند که او **سلمان** عصر خود بوده است و سی رساله در زمینه‌های مختلف اسلامی نوشته است و روزگار خود را با تالیف کتب می‌گذراند مگر آنکه مشغول نماز یا زیارت یا ملاقات برادران ایمانی خود بود.

← عبدالله بن حبيب بجلي

عبدالله بن حبيب بجلي، یکی دیگر از شاگردان و اصحاب امام هفتم و هشتم به شمار می‌آید که راویان حدیث و سیرنویسان بر وثاقت و مورد اعتماد بودن او اتفاق کلمه دارند، **کشی** در کتب **رجال** خود گوید: او روزی به امام ابوالحسن عرض کرد آیا شما از من راضی و خشنود نیستید؟ امام فرمود: به خدا قسم! **خداوند** و **رسول خدا** نیز از شما راضی و خشنود هستند.

← علی بن ابراهیم

یکی دیگر از رجالنویسان و درایه‌شناسان اسلامی می‌گوید: **عبدالله بن جنید** را در **عرفه** مشاهده کردم که بهترین موقف عرفه‌ای بود که دیده بودم او دست‌های خود را به سوی آسمان برداشته بود و اشک چشمن او از صورت او غلتیده و به زمین می‌افتاد و **دعا** می‌کرد. پس از مراجعت از عرفه به او گفتم خوش به حال تو که بهترین حال را داشتی و در پاسخ گفت: به خدا جز به نفع برادران دینی دعای دیگری نداشتم چون پیشوایم امام موسی فرموده است هر فردی که پشت سر برادر مؤمن خود دعا کند از **عرش الهی** ندا داده می‌شود که در مقابل هر کدام از خواسته‌هایی که به نفع برادر دینی انجام داده‌ای چند برابر آن، در حق تو پذیرفته می‌شود. نمی‌دانم دعا‌های من مستجاب گردیده است یا نه؟

← ابن بزيع

ابن بزيع، یکی دیگر از اعیان و رجال بزرگ شیعه و از شاگردان مبرز و از روایتگران احادیث اهل بیت می‌باشد. نامش محمد بن اسماعیل یکی از علاقه‌مندان **اهل بیت** است که هم از امام هفتم و هم از پیشوای هشتم کسب فیض و علم نموده است و طبق امر امام، در تشکیلات و دستگاه **بنی‌عباس** هم شغل مهمی برگرزیده و یکی از مشاورین خاص حکومت بود. امام رضا (علیه‌السلام) به او فرمودند: در دستگاه‌های اداری ستمگران، کسانی از صلحا و نیکوکاران وجود دارند که خداوند متعال بلا و آفت را بوسیله آنان از اولیای خود بر می‌گرداند، و امور مسلمانان را با کمک آنان، اصلاح می‌کند، افراد با ایمان را از ضرر و گرفتاری نجات می‌بخشد. آنان پناه نیازمندان از اهل ایمان هستند.

← مؤمن طاق

محمد بن علی بن نعمان یکی از افاضل شاگردان مکتب تربیتی امام ششم و امام هفتم می‌باشد که در مباحثات اعتقادی و مناظرات کلامی، مهارت و تبحر خاصی داشت و این قبیل مباحث از طرف امام (علیه‌السلام) به او محول می‌گردید. دفاعیات او از مقام ولایت اهل بیت فراوان صورت گرفته است و گفتگوهای متعددی با رؤسای ادیان و مذاهب انجام داده است که در همه پیروزی با او بوده است گویند روزی **ابوحنیفه** به او گفت: آیا راست است که تو معتقد به **رجعت** و بازگشت مجدد هست؟ گفت: آری. ابوحنیفه با مسخره و استهزاء گفت: پس پانصد دینار به من قرض بده و هنگام بازگشت مجدداً من به تو پرداخت می‌نمایم. مؤمن طاق: عیب ندارد در صورتی که تو به من تعهد بسیاری که هنگام رجعت به صورت میمون یا دیگر مسخ شده‌ها بر نگردی بلکه به صورت انسان باشی تا بتوانم طلب خود را وصول نمایم ابوحنیفه شرم‌منده و عجز از پاسخ شد.
او پس از رحلت امام صادق (علیه‌السلام) با ابوحنیفه روبرو گردید، وی به صورت شماتت از مؤمن پرسید: امام تو هم از دست رفت. مؤمن پاسخ داد: آری! امام من رحلت نمود ولی امام و پیشوای تو تا وقت معلوم مهلت داده شده است (اشاره به **شیطان** است که **قرآن** می‌فرماید: من المنتظرین الی یوم الوقت المعلوم...).

← اصحاب دیگر

۱. **علی بن یقطين**؛
۲. **ابو صلت بن صالح هروی**؛
۳. **اسماعیل بن مهران**؛
۴. **حماد بن عیسی**؛
۵. **عبدالرحمن بن حجاج بجلي**؛
۶. **عبدالله بن یحیی کاهلی**؛
۷. **مفضل بن عمر کوفی**؛
۸. **هشام بن حکم**؛
۹. **یونس بن یعقوب**.

۱. [مروان بن محمد اموی](#) - معروف به مروان حمار (۱۲۶ - ۱۳۲ ق.)؛
۲. [ابوالعباس سفاح عباسی](#) (۱۳۲ - ۱۳۶ ق.)؛
۳. [منصور عباسی](#) (۱۳۶ - ۱۵۸ ق.)؛
۴. [مهدی عباسی](#) (۱۵۸ - ۱۶۹ ق.)؛
۵. [هادی عباسی](#) (۱۶۹ - ۱۷۰ ق.)؛
۶. [هارون الرشید](#) (۱۷۰ - ۱۹۳ ق.).

فضائل اخلاقی و عملی

امام کاظم (علیه السلام) همانند پدران در فضیلت‌های اخلاقی و عملی آموزگار و نمونه دیگران بود.

← خصوصیت بارز

حضرتش در علم و حلم و تواضع و مکارم اخلاق و کثرت صدقت و سخاوت و بخشندگی ضرب‌المثل بود. بدان و بدان‌دیشان را با عفو و احسان بی‌کران خویش تربیت می‌فرمود. شب‌ها بطور ناشناس در کوچه‌های مدینه می‌گشت و به مستمندان کمک می‌کرد. مبلغ دویست، سیصد و چهارصد [دینار](#) در کیسه‌ها می‌گذاشت و در مدینه میان نیازمندان قسمت می‌کرد. کیسه‌های موسی بن جعفر در [مدینه](#) معروف بود و اگر به کسی یک صره (کیسه) می‌رسید بی‌نیاز می‌گشت. با این همه در اتاقی که نماز می‌گزارد جز [بوریا](#) و [مصحف](#) و [شمشیر](#) چیزی نبود.

← منش

منش و سلوک موسی بن جعفر (علیه السلام) همگان را متأثر می‌ساخت، چنان‌که بنا بر روایت، چون او را در زندان حبس کردند، زندان‌بانان را منقلب ساخت و بدو [ایمان](#) آوردند. [\[۱۱\] این شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱۵.](#)

← دانش

در باره [دانش](#) امام کاظم (علیه السلام) روایت کرده‌اند که از همان کودکی شگفتی مردم را بر می‌انگیخت. [\[۱۲\] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۸.](#)

امام موسی کاظم (علیه السلام) هنوز کودک بود که فقهای مشهور مثل ابوحنیفه از او مسأله می‌پرسیدند و کسب علم می‌کردند.

← عبادت

حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) عابدترین و زاهدترین، فقیه‌ترین، سخی‌ترین و کریم‌ترین مردم زمان خود بود، هرگاه دو سوم از شب می‌گذشت نمازهای نافله را به جا می‌آورد و تا سپیده صبح به نماز خواندن ادامه می‌داد و هنگامی که وقت [نماز صبح](#) فرا می‌رسید، بعد از نماز شروع به دعا می‌کرد و از ترس خدا آنچنان گریه می‌کرد که تمام محاسن شریفش به اشک آمیخته می‌شد و هرگاه قرآن می‌خواند مردم پیرامونش جمع می‌شدند و از صدای خوش او لذت می‌بردند.

آن حضرت، صابر، صالح، امین و کاظم لقب یافته بود و به عبد صالح شناخته می‌شد، و به خاطر تسلط بر نفس و فرو بردن خشم، به کاظم مشهور گردید. شیخ مفید درباره آن حضرت می‌گوید: او عابدترین و فقیه‌ترین و بخشنده‌ترین و بزرگ منش‌ترین مردم زمان خود بود، زیاد تضرع و ابتهاج به درگاه خداوند متعال داشت.

[\[۱۳\] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۷.](#)

این جمله را زیاد تکرار می‌کرد: «اللهم انی اسالک الراحة عند الموت و العفو عند الحساب؛ خداوند در آن زمان که مرگ به سراغم آید راحت و در آن هنگام که در برابر حساب اعمال حاضرم کنی عفو را به من ارزانی دار».

هیچکس مثل او حافظ قرآن نبود، با آواز خوشی قرآن می‌خواند، قرآن خواندنش حزن و اندوه مطبوعی به دل می‌داد، شنوندگان از شنیدن قرآنش می‌گریستند، مردم مدینه به او لقب "زین المجتهدین" داده بودند.

[\[۱۴\] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۵.](#)

← نیکی به مردم

از صفات والای اخلاقی امام کاظم (علیه السلام)، [احسان](#) و نیکی به مردم بود. نیازمندان بدو حاجت می‌بردند و نیاز خویش را از او بر می‌آوردند و بلب الحوائج‌اش می‌دانستند. لقب مشهور امام (علیه السلام) «کاظم» است به معنای کسی که هنگام خشم، خویشتنداری می‌کند و خشم خود را فرو می‌برد و به آسانی از دیگران در می‌گذرد.

[\[۱۵\] قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، یناهیة الموده، ج ۳، ص ۱۱۷.](#)

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بسیار به سراغ فقرا می‌رفت. شب‌ها در ظرفی پول و آرد و خرما می‌ریخت و به وسایلی به فقرا می‌رساند، در حالی که آن‌ها نمی‌دانستند از ناحیه چه کسی است. مردم مدینه روزی که از رفتن امام خود به عراق آگاه شدند، شور و ولوله و غوغایی عجیب کردند. آن روزها فقرا می‌دانستند چه کسی شب‌ها و روزها برای دلجویی به خانه آن‌ها می‌آمده است.

مردی از تبار **عمر بن خطاب** در مدینه بود که او را می‌آزرد و **علی (علیه‌السلام)** را دشنام می‌داد. برخی از اطرافین به حضرت گفتند: اجازه دهید تا او را بکشیم، ولی حضرت به شت از این کار نهی کرد و آنان را شدیداً سرزنش فرمود. روزی سراغ آن مرد را گرفت، گفتند: در اطراف مدینه، به کار زراعت مشغول است. حضرت سوار بر الاغ خود وارد مزرعه وی شد.

آن مرد فریاد برآورد: زراعت ما را خراب مکن، ولی امام به حرکت خود در مزرعه ادامه داد وقتی به او رسید، پیاده شد و نزد وی نشست و با او به شوخی پرداخت، آن‌گاه به او فرمود: چقدر در زراعت خود از این بابت زیان دیدی؟ گفت: صد دینار. فرمود: حال انتظار داری چه مبلغ از آن عایدت شود؟ گفت: من از غیب خبر ندارم. امام به او فرمود: پرسیم چه مبلغ از آن عایدت شود؟ گفت: انتظار دارم دویست دینار عایدم شود. امام به او سیصد دینار داد و فرمود: زراعت تو هم سر جایش هست. آن مرد برخاست و سر حضرت را بوسید و رفت. امام به مسجد رفت و در آنجا آن مرد را دید که نشسته است.

وقتی آن حضرت را دید، گفت: خداوند می‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد. بارانش گرد آمدند و به او گفتند: داستان از چه قرار است، تو که تا حال خلاف این را می‌گفتی. او نیز به دشنام آنها و به دعا برای امام موسی (علیه‌السلام) پرداخت. امام (علیه‌السلام) نیز به اطرافین خود که قصد کشتن او را داشتند فرمود: آیا کاری که شما می‌خواستید بکنید بهتر بود یا کاری که من با این مبلغ کردم؟ و بسیاری از این‌گونه روایت، که به اخلاق والا و سخاوت و شکیبایی آن حضرت بر سختی‌ها و چشمپوشی ایشان از مال دنیا اشارت می‌کند، نشانگر کمال انسانی و نهایت عفو و گذشت آن حضرت است.

امامت

بعد از رحلت پدر بزرگوارش امام صادق (علیه‌السلام) (۱۴۸ ه.ق.) در بیست سالگی به امامت رسید و ۳۵ سال رهبری و ولایت **شیعیان** را بر عهده داشت. **پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)** در حدیث مشهور **جابر انصاری** با صراحت از امامت حضرت کظم (علیه‌السلام) یاد کرده است و نیز امام صادق (علیه‌السلام) آشکارا او را امام پس از خود می‌خواند.

[۱] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۰.**

بر تری امام کاظم (علیه‌السلام) بر مردمان روزگار خویش نیز دلیلی دیگر بر امامت او است؛ چنان‌که **ابن حجر هیثمی** از علمای **سنی‌مذهب** درباره ایشان می‌گوید: «موسی کاظم در علم و معرفت و کمال و فضل وارث پدر خویش بود. او از همه کس پارساتر و داناتر و بخشنده‌تر بود.»

[۲] **ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۹۰.**

جلالت قدر و علو شأن و مکارم اخلاق و دانش وسیع حضرت امام موسی کاظم (علیه‌السلام) به قدری بارز و روشن بود که اکثریت **شیعه** پس از وفات امام صادق (علیه‌السلام) به امامت او گرویدند و علاوه بر این بسیاری از شیوخ و خواص اصحاب حضرت صادق (علیه‌السلام) مانند **فضل بن عمر جعفی** و **معاذ بن کثیر** و **صفوان جمالی** و **یعقوب سراج نص** صریح امامت حضرت موسی کاظم (علیه‌السلام) را از امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده‌اند و بدین‌ترتیب امامت ایشان در نظر اکثریت شیعه مسجل گردید.

← دوران امامت

دوران سی و پنج ساله امامت موسی بن جعفر مصالفا بود با اوج قدرت حکومت بنی عباس و همزمان با چهار تن از حاکمان عباسی به نام‌های منصور دوانیقی، مهدی عباسی، هادی عباسی و هارون الرشید که حضرت نیز به فراخور شرایط زمانی حساس هر یک، وظیفه سنگین امامت و هدایت امت را به بهترین شکل ممکن به دوش کشید، و اگر چه با حوادث سهمگین و خونینی همچون **واقعه فح** و شهلت مظلومانه گروهی از آل علی (علیه‌السلام) روبرو گردید، ولی لحظه‌ای از وظیفه خطیر خود کوتاهی ننمود.

← فعالیت‌ها

فعالیت‌های امام کاظم (علیه‌السلام) را بر دو دسته دانسته‌اند:

۱. فعالیت‌های علمی و فکری و چار مجویی برای رویارویی با عقاید نادرست و بدعت‌ها و واپس‌گرایی‌ها. امام (علیه‌السلام) شاگردانی پروراند تا به واسطه آنان آموزه‌های راستین دینی و شیعی را میان مردم بگستراند. شاگردان به محضر امام بار می‌یافتند و در مجلس ایشان می‌نشستند و چون فتوا یا کلامی علمی می‌شنیدند، می‌نوشتند و ثبت می‌کردند.

[۱] **محدث قمی، عیسی، الانوار البیّنه، ص ۱۸۶-۱۸۷.**

۲. فعالیت دیگر امام (علیه‌السلام) هدایت و نظارت بر پایگاه‌های مردمی و هواخواهان خویش بود. امام (علیه‌السلام) از این‌گنر می‌کوشید افزون بر حفظ رابطه خویش با شیعیان و هدایت آنان، موضع منفی خود در برابر حکومت را نیز بدانان منتقل کند و در همین مسیر، همواره نارضایتی خویش از ارباب حکومت را آشکار می‌ساخت و همکاری با آنان را حرام می‌شمرد.

[۲] **جر عملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۰.**

منظره سرزنش‌آمیز امام (علیه‌السلام) با هارون الرشید در مرقه مطهر پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در پیش بزرگان و فرماندهان کشوری و لشکری را می‌توان از این‌گونه فعالیت‌ها شمرد.

[۳] **ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۳۲۰.**

← محور فعالیت‌ها

محور فعالیت‌های امام امور زیر بود.

- اول – **تبلیغ دین** خداوند و گسترش **فرهنگ اسلام**، تبیین و تشریح معارف و **احکام الهی** در قالب احادیث بلند و کوتاه و پاسخ به سوالات شفاهی و کتبی و...
- دوم- پرورش انسان‌های مستعد و تربیت شاگردان و الامقام و شاخص در میدان علم و عمل و حفظ و حراست آنان.
- سوم- مبارزه بی‌امان با حاکمان جور و ستم و غاصبان خلافت و شکستن صولت شیطانی آنان در میدان‌های مختلف و تشریح مبانی حق.
- چهارم- تربیت یاران مدبر و مدبر و خودساخته و نفوذ داندن آنان در مراکز حساس حکومتی، تا مرز وزارت و استانداری، به منظور خنثی‌سازی نقشه‌های مخرب و دین‌سوز دشمنان،

کمک به مظلومان و محرومان و دفاع از حریم شیعیان.

پنج- سامان‌دهی شیعیان با شیوه‌های مختلف تربیتی، عملی، مناظره‌های سیاسی و...

امام (علیه‌السلام) در این مسیر، نهایت تلاش خویش را میندود داشت و در مواقع لازم از اهرم‌های فوق‌العاده‌ای همچون استفاده از **معجزه**، دعای مستجاب و به‌کارگیری علم امامت امام کاظم (علیه‌السلام) بهره برد.

← ادعای امامت برادر

از مشکلات روزهای نخستین امامت موسی بن جعفر (علیه‌السلام)، ادعای امامت دروغین برادر بزرگتر حضرت، عبدالله افطح، بود که گروهی را به دنبال خود کشید و فرقه فطحیه به همین ترتیب شکل گرفت. هر چند با برخورد روشنگران‌هی امام، عبدالله با شکست روبرو گردید.

← درایت امام

روش امام آنچنان دقیق و حساس بود که تلاش چشمگیر و جاسوسی‌های مداوم حاکمان عباسی برای به‌دست آوردن سرنخی از اقدامات امام (علیه‌السلام) بی‌نتیجه بود، و امام همچنان در همه زمینه‌ها موفق و کارآمد به پیش می‌رفت و در اوج اقتدار معنوی و اجتماعی قرار داشت، به گونه‌ای که نگاه کل **جهان اسلام** متوجه ایشان بود. سرانجام هارون الرشید برای دستگیری امام شخصاً به صحنه آمد و طی صحنه‌سازی در کنار قبر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به جوسازی علیه امام پرداخت و او را در یک جلالت‌ظاهری ولی در پردای از ابهام با تشکیل دو کاروان مختلف از مدینه تبعید کرد و بارها به **زند** انداخت. هارون چندین بار به **تور** حضرت اقدام نمود و در بعضی موارد شخصاً وارد شد که هر بار ناموفق بود.

← کار اصلی امام

امام هفتم (علیه‌السلام) با جمع روایات و احادیث و احکام و احیای سنن پدر گرامی و تعلیم و ارشاد شیعیان، اسلام راستین را که با تعالیم و مجاهدات پدرش جعفر بن محمد (علیهماالسلام) نظم و استحکام یافته بود حفظ و تقویت کرد و در راه انجام وظایف الهی تا آنجا پایداری نمود که جان خود را فدا ساخت.

یادگارهای علمی و فکری

از امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) دریای بیکرانی از معارف اسلام در **توحید** و **نبوت** و **امامت** و **معاد**، و احکام و آداب تربیتی - اخلاقی در قالب هزاران حدیث کوتاه و بلند، و شاگردان عالم‌عامل، و سیره عملی ارزشمند در میدان‌های مختلف، و نسلی پاک و با برکت به یادگار مانده است. یادگارهای علمی و فکری امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) که در کتب‌های حدیث، **فقه**، **کلام** و **تفسیر** ثبت گردیده است یکی از بهترین و غنی‌ترین میراث‌ها و نخائر علمی و عملی است که اصول زندگی و روش‌های تربیتی و معارف را با استوارترین بیان‌ها، در اختیار پویندگان آن معارف، قرار داده و اسرار آفرینش را با عالی‌ترین بیانت خود، توضیح می‌دهد.

موضوعات مهم دوران امام

برخی از مهم‌ترین موضوعات یادکردنی روزگار امام کاظم (علیه‌السلام) عبارت‌اند از:

الف. برخاستن جنبش‌های انقلابی که امام (علیه‌السلام) برخی از آنها را تأیید می‌کرد؛ همانند جنبش شهید فخر

[۱۲۱] **ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبین، ص ۳۰۴.**

ب. سازماندهی نظام سزای رابطن به دست امام (علیه‌السلام) که وظیفه داشتند ارتباط ایشان را با شیعیان سامان دهند و فرمان‌های مقام امامت را بدانان برسانند.

[۱۲۲] عادل ادیب، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازدهگانه علیه‌السلام، ص ۲۱۴.

ج. پیدایی برخی مسلک‌های انحرافی و اوچگیری فعالیت‌های عقیدتی و سیاسی آنها.

برخی از این مسلک‌ها ادعای تشیع نیز سر می‌دادند، ولی به هیچ روی مقبول امام (علیه‌السلام) نبودند. فرقه‌های **ناو و سیه**، **اسماعیلیه**، **مبارکبه**، **سمطیه** و **فطحیه** چنین بودند. پدید آمدن این فرقه‌ها در قلمرو مکتب تشیع شرایط حساسی را برای امام (علیه‌السلام) پدید آورد که تا آن زمان بی‌سابقه بود. امام (علیه‌السلام) با تدبیری خاص، توانست شیعیان را از این چالش فکری و عقیدتی برهاند و امامت مقبول آیین اسلام را برای آنان نمایان سازد.

د. سازش‌ناپذیری امام کاظم (علیه‌السلام) در برابر حکومت و کزروی‌های دیگر جامعه اسلامی، مسئله‌ای را پیش آورد که برای امامان پیشین پیش نیامده بود. امام (علیه‌السلام) برای مدتی طولانی در زندان حبس شد.

حاکمان عباسی از وجود امام (علیه‌السلام) بیمناک بودند و هر از چند گاهی ایشان را به زندان می‌انداختند. روزگار حبس امام (علیه‌السلام) در عهد هارون الرشید طولانی‌تر بود و بارها به زندان رفت.

علت قیام نکردن

مهدی خلیفه عباسی امام را در **بغداد** بازداشت کرد اما بر اثر خوابی که دید و نیز تحت تأثیر شخصیت امام از او عذرخواهی نمود و به مدینه‌اش بازگرداند.

گویند که مهدی از امام تعهد گرفت که بر او و فرزندان‌ش خروج نکند.

این روایت نشان می‌دهد که امام کاظم (علیه‌السلام) خروج و قیام را در آن زمان صلاح و شایسته نمی‌دانسته است.

حبس امام در زمان مهدی

امام کاظم (علیه السلام) با آنکه از جهت کثرت عبادت و زهد به «العبد الصالح» معروف بوده‌اند به قدری در انظار مردم مقلمی والا و ارجمند داشته‌اند که او را شایسته مقام خلافت و امامت ظاهری نیز می‌دانستند و همین امر موجب تشویش و اضطراب دستگاه خلافت گردیده و مهدی به حبس او فرمان داده است.

پیشنهاد اعطای فک از طرف هارون

زمخشری در **ربیع الابرار** آورده است که هارون فرزند مهدی در یکی از ملاقات‌ها به امام پیشنهاد نمود **فک** را تحویل بگیرد و حضرت نپذیرفت، وقتی اصرار زیاد کرد فرمود می‌پذیرم به شرط آنکه تمام آن ملک را با حدودی که تعیین می‌کنم به من واگذار کنی. هارون گفت حدود آن چیست؟ امام فرمود یک حد آن به عن است، حد دیگرش به **سمرقند** و حد سومش به افریقیه و حد چهارمش کناره دریا تا ارمینیه و خزر است. هارون از شنیدن این سخن سخت برآشفته و گفت: پس برای ما چه چیز باقی می‌ماند؟ امام فرمود: می‌دانستم که اگر حدود فک را تعیین کنم آن را به ما مسترد نخواهی کرد. (یعنی خلافت و اداره سراسر کشور اسلام حق من است) از آن روز هارون کمر به قتل موسی بن جعفر (علیهما السلام) بست.

جواب امام به فخر فروشی هارون

هارون در سفرش به مدینه هنگام زیارت قبر رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) در حضور سران **قریش** و رؤسای قبایل و علما و قضات بلاد اسلام گفت: السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا ابن عم، و این را از روی فخر فروشی به دیگران گفت. امام کاظم (علیه السلام) حاضر بود و فرمود: السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا ایت (یعنی سلام بر تو ای پدر من). می‌گویند رنگ هارون دگرگون شد و خشم از چهره‌اش نمودار گردید.

علت حبس و شهادت

درباره حبس امام موسی (علیه السلام) به دست هارون الرشید، شیخ مفید در الارشاد روایت می‌کند که علت گرفتاری و زندانی شدن امام، **یحیی بن خالد بن برمک** بوده است. زیرا هارون فرزند خود **امین** را به یکی از مقربان خود به نام جعفر بن محمد بن اشعث که مدتی هم والی **خراسان** بوده است سپرده بود و یحیی بن خالد بیم آن را داشت که اگر خلافت به امین برسد، جعفر بن محمد بن اشعث را همه کاره دستگاه خلافت سازد و یحیی و **برمکین** از مقام خود بیفتند. جعفر بن محمد بن اشعث شیعه بود و قائل به امامت امام موسی (علیه السلام)، و یحیی ابن معنی را به هارون اعلام می‌داشت. سرانجام یحیی بن خالد، پسر برادر امام را به نام **علی بن اسماعیل بن جعفر** از مدینه خواست تا به وسیله او از امام و جعفر نزد هارون بگویی کند. می‌گویند امام هنگام حرکت علی بن اسماعیل از مدینه او را احضار کرد و از او خواست که از این سفر منصرف شود و اگر ناچار می‌خواهد برود از او سعایت نکند. علی قبول نکرد و نزد یحیی رفت و بوسیله او پیش هارون بار یافت و گفت از شرق و غرب ممالک اسلامی مال به او می‌دهند تا آنجا که ملکی را توانست به سی هزار دینار بخرد. هارون در آن سال به **حج** رفت و در مدینه امام و جمعی از اشراف به استقبال او رفتند. اما هارون در کنار قبر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) گفت یا رسول الله از تو پوزش می‌خواهم که موسی بن جعفر را به زندان می‌افکنم زیرا او می‌خواهد امت تو را بر هم زند و خونشان را بریزد. آنگاه دستور داد تا امام را از مسجد بیرون بردند و او را پوشیده به **بصره** نزد والی آن عیسی بن جعفر بن منصور فرستادند. عیسی پس از مدتی نامه‌ای به هارون نوشت و گفت که موسی بن جعفر در زندان جز عبادت و **نماز** کاری ندارد یا کسی بفرست که او را تحویل بگیرد و یا من او را آزاد خواهم کرد. هارون امام را به بغداد آورد و به **فضل بن ربیع** سپرد و پس از مدتی از او خواست که امام را آزاری برساند اما فضل نپذیرفت و هارون او را به **فضل بن یحیی بن خالد برمکی** سپرد. چون امام در خانه فضل نیز به نماز و **روزه** و **قرائت قرآن** اشتغال داشت فضل بر او تنگ نگرفت و هارون از شنیدن این خبر در خشم شد. هارون عباسی، وجود امام کاظم (علیه السلام) را در زندان نیز تلب نیاورد و فرمان داد ایشان را مسموم کنند. آخر الامر یحیی امام را به سندی بن شاهک سپرد و سندی آن حضرت را در زندان مسموم کرد. بدین‌سان، امام (علیه السلام) به سال ۱۸۳ ه. در پنجاه و پنج سالگی در زندان بغداد به شهادت رسید. چون آن حضرت وفات یافت سندی جسد آن حضرت را به فقها و اعیان بغداد نشان داد که ببینند در بدن او اثر زخم یا خفگی نیست. بعد او را در بلب التین در موضعی به نام مقابر قریش (کازمین عراق) دفن کردند.

[۱۴] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۷.

تاریخ شهادت

تاریخ وفات آن حضرت را جمعه هفتم **صفر** یا پنجم یا بیست و پنجم **رجب** سال ۱۸۳ ه.ق. در ۵۵ سالگی گفته‌اند.

رویدادهای مهم عصر امام

۱. **شهادت امام جعفر صادق** (علیه السلام)، پدر ارجمند امام موسی کاظم (علیه السلام)، به دست **منصور دوانیقی**، در سال ۱۴۸ هجری.
۲. پیدایش انشعاباتی در **مذهب شیعه**، مانند: اسماعیلیه، افضحیه و ناووسیه، پس از شهادت امام صادق (علیه السلام) و معارضه آنان با امام موسی کاظم (علیه السلام) در مسئله امامت.
۳. ادعای امامت و جانشینی امام جعفر صادق (علیه السلام)، توسط عبدالله افضح، برادر امام موسی کاظم (علیه السلام) و به وجود آوردن مذهب افضحیه در شیعه.
۴. اعراض بیشتر اصحاب امام صادق (علیه السلام) از عبدالله افضح، و گرایش آنان به امام موسی کاظم (علیه السلام).
۵. مرگ منصور دوانیقی، در سال ۱۵۸ هجری، و به خلافت رسیدن ابو عبدالله مهدی عباسی، فرزند منصور.
۶. احضار امام موسی کاظم (علیه السلام) به بغداد و زندانی نمودن ایشان در آن شهر، به دستور **مهدی عباسی**.
۷. زندانی شدن امام موسی کاظم (علیه السلام) در بغداد، در دوران حکومت **هادی عباسی**.
۸. مبارزات منفی امام موسی کاظم (علیه السلام) با دستگاه حکومتی **هارون الرشید**، در مناسبت‌های گوناگون.
۹. بگویی و سعایت علی بن اسماعیل، برادرزاده امام موسی کاظم (علیه السلام) از آن حضرت، نزد هارون الرشید با توطئه‌چینی یحیی برمکی، وزیر اعظم هارون.
۱۰. دستگیری امام کاظم (علیه السلام) در مدینه و فرستادن آن حضرت به زندان عیسی بن جعفر در بصره، به دستور هارون الرشید، در سال ۱۷۹ هجری.

۱۱. انتقال امام (علیه‌السلام) از زندان بصره به زندان فضل بن ربیع در بغداد.
۱۲. انتقال امام (علیه‌السلام) از زندان فضل بن ربیع به زندان فضل بن یحیی برمکی.
۱۳. مراعات کردن حال امام (علیه‌السلام) در زندان، توسط فضل بن یحیی و عکس‌العمل شدید هارون به این قضیه.
۱۴. مضروب و مقهور شدن فضل بن یحیی، توسط هارون، به خاطر مراعات حال امام (علیه‌السلام) در زندان.
۱۵. انتقال امام (علیه‌السلام) از زندان فضل بن یحیی به زندان سندی بن شاهک.
۱۶. مسموم کردن امام (علیه‌السلام) با خرمای زهر آلود، توسط سندی بن شاهک در زندان.
۱۷. شهادت امام کاظم (علیه‌السلام) به خاطر مسمومیت در زندان سندی بن شاهک، در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری.
۱۸. انتقال پیکر مطهر امام موسی کاظم (علیه‌السلام) به جسر (پل) بغداد و فراخوانی مردم برای دیدن آن توسط ماموران هارون الرشید.
۱۹. انزجار سلیمان بن جعفر بن منصور دوانیقی از تحقیر پیکر امام موسی کاظم (علیه‌السلام)، توسط ماموران حکومتی، و دستور او به تجهیز و تکفین مناسب شان پیکر آن حضرت و به خاکسپاری در مقابر قریش بغداد.

عناوین مرتبط

• امام علی علیه السلام • امام حسن علیه السلام • امام حسین علیه السلام • امام سجاد علیه السلام • امام محمد باقر علیه السلام • امام صادق علیه السلام • امام رضا علیه السلام • امام علی نقی علیه السلام • امام حسن عسکری علیه السلام • امام مهدی علیه السلام

پانویس

۱. ↑ مفید، محمد بن محمد، مصنّفات الشیخ المفید، ج ۱۱، ص ۲۱۵.
۲. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۴۱۵.
۳. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۸.
۴. ↑ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۷.
۵. ↑ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۵.
۶. ↑ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۱۷.
۷. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۰.
۸. ↑ ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الصّواعق المحرّقة، ج ۲، ص ۵۹۰.
۹. ↑ محدث قمی، عباس، الانوار البهیة، ص ۱۸۶-۱۸۷.
۱۰. ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۰.
۱۱. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۳۲۰.
۱۲. ↑ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطّالبيين، ص ۳۰۴.
۱۳. ↑ عادل ادیب، زندگانی تطیلی پیشوایان ما ائمه دوازدهگانه علیهم‌السلام، ص ۲۱۴.
۱۴. ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۷.

منبع

- جمعی از نویسندگان، فرهنگ شیعه، ج ۱، ص ۱۱۲.
- نرم افزار جامع الاحادیث، قسمت اهل‌بیت، امام کاظم.
- واردی، سید تقی، خاندان عصمت (علیهم‌السلام)، ص ۱۷۵-۱۸۶.

رده‌های این صفحه: [امام کاظم](#) | [امامان از نسل امام حسین](#) | [امامان دوازدهگانه](#) | [تاریخ معصومان](#) | [جانشینان پیامبر](#) | [چهارده معصوم](#) | [درگذشتگان سال ۱۸۳ \(قمری\)](#) | [زادگان سال ۱۲۸ \(قمری\)](#) | [سیره امام کاظم](#) | [فرزندان امام صادق](#) | [مدفونان در کاظمین](#)